

بررسی جامعه‌شناختی نیازمندی‌های امنیتی از دیدگاه ساکنین استان کرمان^۱

چکیده

تضمین امنیت و پایداری منطقه‌ای با عنایت به فزونی یافتن انتظارات نهادهای تصمیم‌گیر، اجرایی و کنش‌گران سطح خرد از قوای انتظامی، به همگونی کارکردهای این نهاد با نیازهای امنیتی هر جامعه هم‌بسته است. بی‌شک، استان پهناور کرمان نیز از این قاعده مستثنی نیست. پژوهش حاضر، ابتدا ضمن عطف توجه به شاخه علم جامعه‌شناسی امنیت، در سطح مفهومی با بر ساختن مفاهیم امنیت وجودی، امنیت رفاهی و امنیت معنا بخش، این مقوله‌ها را با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای در ۴۰۰ پرسشنامه میان ساکنین استان کرمان به محک آزمون نهاده است. یافته‌ها حکایت از آن دارد که نیازهای امنیتی در مناطق سه‌گانه مرکز، نیمه پیرامون و پیرامون کرمان متفاوت است. گرچه نیاز به امنیت وجودی در تمام نقاط استان در اولویت نخست قرار دارد؛ با این حال اولویت مقوله‌های این امنیت در مناطق پیرامونی برجسته‌تر است. امنیت رفاهی و معنا بخش نیز به فراخور، در مناطق مرکزی و نیمه پیرامونی جایگاه نخست را دارا می‌باشند.

کلید واژگان: جامعه‌شناسی امنیت، امنیت وجودی، امنیت رفاهی، امنیت معنا بخش

۱- مقدمه و بیان مسئله

بدون تردید فرض «نظم» و «امنیت» در قانون اجتماعی هر دیاری امری دشوار نیست. مؤلفه‌های مذکور از جمله مفاهیمی‌اند که از دیر باز با جوهره‌ی هستی انسان‌ها پیوندی ناگسستنی داشته‌اند. امنیت مقوله‌ای است قابل تأمل، چه که تضمین پایداری اجتماعی در سایه آن محقق می‌گردد و آرامش و جریان امور زندگی کارکرد عمده آن است.

۱. این نوشتار تلخیصی است از طرح کلی تری تحت عنوان «نیازسنجی‌های اجتماعی مردم استان کرمان» که مبحث امنیت آن ارائه می‌گردد.

خلاء چنین موضوعی در هر نظام اجتماعی ما را با پدیده‌های اجتماعی برهم زنده نظم مواجه خواهد ساخت که تأملات و مدیریت بیشتری را طلب خواهد کرد؛ لذا امنیت پیش فرضی است برای حیات و زندگی جمعی، و هر چه منطقه‌ای ضریب امنیتی بالاتری داشته باشد؛ میزان تعامل مناسب اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی بیشتری خواهد بود. رسیدن بدین مقصود در پهناورترین محدوده سیاسی کشور ایران، یعنی استان کرمان با پراکندگی گسترده جمعیت مستلزم عوامل عدیده بسیاری است. عواملی که در حیطه علم جامعه شناسی تحت عنوان اراده و خواست کلیه ساختارهای نظام اجتماعی نام می‌گیرد. به واقع محیط اجتماعی محدوده‌ای است که در آن تمامی کنش‌گران مشغول عمل جمعی هستند؛ و این امر منجر به احساس یکی بودن کنشگر با محیط اجتماعی می‌گردد. البته بدون شک کم و کیف زندگی اجتماعی مردمان خطه کرمان در گرو امکانات و تسهیلات گوناگون است. داشتن زندگی رضایت بخش همراه با آسودگی و آسایش کنش‌گران مستلزم توجه به شرایط، امکانات، منابع و همچنین کمبودها و کاستی‌ها در مناطق مختلف استان است. با این وجود، طرز تلقی ما از نیازمندی‌های بومی استان نه بر مبنای بیان نیازمندی‌ها در دسته‌های مرسوم کلیشه‌ای است؛ چنین فرمول بندی‌ای چیزی از واقعیات خاص و مکانیزم درونی آن را برای ما بازگو نمی‌کند و شاید ما را در یک وضعیت ابهام و امتناع از شاخص‌های توسعه قرار دهد. در چنین شرایطی، باور ما جهت پرداخت نظری و پژوهشی بدین موضوع، چیزی جزء توسل به اولویت‌گذاری نیازمندی‌های استان نیست. چرا که بسیاری از آسیب‌شناسان اجتماعی، اساساً مطالعه خود را از همین جا آغاز می‌کنند و با دست گذاشتن بر روی رابطه میان نیازمندی‌های امنیتی و دیگر ملاحظات و نیازهای محیط اجتماعی، امنیت را مقدم بر دیگر امور می‌دانند. مسأله کرمان از این باب حائز اهمیت است که علاوه بر گستردگی و پراکندگی جمعیت، این استان از مناطق جغرافیایی و شهری گوناگونی تشکیل شده که هر یک از آن‌ها در درون خود ساختارها و نیازمندی‌های امنیتی متفاوتی دارند. موضوعی که وظیفه نیروهای انتظامی را خطیرتر می‌سازد. زیرا جامعه امن و توسعه یافته در مقابل مسأله امنیت از بین دو راه پرده پوشی و مدیریت

مسأله، ناگزیر به انتخاب راه دوم است؛ و برای این امر مهم انتظارات از نیروی انتظامی بسیار بیشتر از نهادهای دیگر است.

این مقدمه، مدخلی است برای کنکاش بیشتر در خصوص ملاحظات و نیازمندی‌های بومی استان کرمان در تأمین امنیت، از آن جهت که پلیس انتظامی به اقتضای شأن و اعتبار خود قصد آن دارد که با تجهیز به دانش مذکور، گشایش لازم را در انجام مطلوب مأموریت محوله خود حاصل نماید. مفروض اصلی پژوهش حاضر در بررسی مسائل مرتبط با امنیت و راه‌های تأمین آن وابسته به آگاهی از دیدگاه‌ها و نگرش‌های ساکنین مناطق مختلف است. در واقع به دنبال گسترش ابعاد مختلف امنیت و نیز زوال پاره‌ای از کارکردهای نهادهای سستی تعیین کننده روابط انسانی و در کنار آن افزایش دامنه معضلات اجتماعی و امنیتی، موضوع تعامل مورد نیاز ساکنین مناطق و نیروی انتظامی به کانون پژوهش‌های اجتماعی و انتظامی بدل گشته است. همچنین یکی از منظرهای جامعه‌شناسی امنیت، تبدیل جامعه به متن و سپس نفوذ به درون این متن و درک معنای نهفته در آن است. این تحول اگر چه رسالت و عملی بسیار دشوار است؛ اما محور اصلی فعالیت آن دسته از متفکرانی را تشکیل می‌دهد که پیرو «نظریه گفتمان» بوده و تحلیل گفتمان را وجه همت خود قرار داده‌اند (مختاری، ۱۳۸۰: ۳۷).

از این منظر درک آراء و نیازهای مردم، ذهنی‌ترین بنیاد امنیت را شکل می‌دهد که متضمن «معنا» و «مفهوم» آن نیاز در ذهن کنش‌گران است. به همین دلیل است که مسأله ارتباط افکار عمومی و نهادهای نظارتی معیار و شاخصی عمده برای امنیت است؛ لذا تحلیل ملاحظات و نیازمندی‌های بومی در تأمین امنیت از منظر تحولات نظری و اجتماعی، آموزه‌های متعددی را برای کارشناسان، محققان، مدیران و کلیه نیروهای شاغل در بخش انتظامات به همراه دارد. از این رهگذر مشخص می‌گردد شیوه‌های اعمال امنیت در کنار آگاهی از دیدگاه مردمی حاصل خواهد شد.

آن چه نوشتار حاضر به دنبال پاسخ‌گویی به آن است؛ این موضوع است که نیازهای امنیتی افراد در کلیه فضاها استان تابع چه الگوهای امنیتی است؟ آیا اولویت امنیتی

در مناطق مختلف استان یکسان است؟ یا بر حسب فضاهای منطقه‌ای تفاوت می‌یابد؟ و در تأمین امنیت از چه الگوهای امنیتی باید استفاده کرد؟

۲- کلیات و مفاهیم نظری تحقیق

علی‌رغم ارائه تعاریف بسیار از امنیت، در شرایط حاضر این واژه در جامعه‌شناسی امنیت، مفهومی معلق، متغیر و دارای معانی متنوعی است. اما به طور خاص مرتبط با نظام ارزش‌های اجتماعی و فردی تصور می‌شود (امانت، ۱۳۹۰: ۱۴۶)؛ لذا به عنوان یک پدیده تجزیه‌ناپذیر باید مورد توجه قرار گیرد که فقدان بعدی از ابعاد آن، جامعیت تعریف را از بین خواهد برد. چرا که امنیت مفهومی هنجاری، هم‌راستا با خیر همگانی معنا شده و ملاک مناسبی برای هدایت اجتماعی است. بنیادهای نظری علم جامعه‌شناسی، امنیت را به عنوان یک حالتی بدون ارتباط با بسترهای اجتماعی آن تحلیل نمی‌کند (افتخاری، ۱۳۸۰: ۲۴)؛ بلکه بر ساخته‌ای است که امنیت را در درون خود به شکلی دو طرفه با بستر اجتماعی تجزیه و تحلیل می‌کند. بدین معنی که نیازهای امنیتی مقوله‌هایی اجتماعی‌اند و در هر جامعه‌ای به فراخور نیازهای آن جامعه فهم می‌شوند؛ لذا ما با طیف متنوعی از نیازها رو به رو هستیم که بسته به تنوع و تعدد جوامع متفاوت اند. برداشت‌ها از نیازمندی‌ها نیز به ویژگی‌های ساختاری منطقه‌ای ارتباط دارند که طی آن نیازهای امنیتی بر حسب دیدگاه بازیگران اصلی، یعنی مردم، تعبیر و تفسیر می‌شود (تائب و خلیلی، ۱۳۸۶: ۱۳۹).

جامعه‌شناسی امنیت از حیث نیازسنجی‌ها به میزان زیادی مدیون سه رویکرد عمده اثبات‌گرایی^۱، سازه‌گرایی^۲ و مابعد اثبات‌گرایی^۳ است (عبدالله‌خانی، ۱۳۸۳: ۱۸۳) که به ترتیب بر امنیت وجودی^۴، امنیت رفاهی^۵ و امنیت معنا بخش^۶ تأکید دارند (سیف

۱. Positivism

۲. Constructivist

۳. Post positivism

۴. Existential Security

۵. Welfare Security

۶. Signifying Security

زاده، ۱۳۸۳: ۱۵). این رویکردهای سه‌گانه امنیتی که در حوزه امنیت خرد قرار دارند؛ به این دلیل مورد توجه قرار می‌گیرند که با کارکردهای نیروهای انتظامی نزدیکی بیشتری دارند. بر این مبنا، با طیف متنوعی از دیدگاه‌ها و آراء مواجه ایم که برای ترسیم مدل نظری و ساختار مفهومی مورد نظر، مطالعه رویکردهای مختلف در باب نیازمندی‌های متنوع امنیتی اجتناب‌ناپذیر است.

کنت والتز^۱ و جان میرشایمر^۲ از جمله متفکران رویکر اثبات‌گرایی قلمداد می‌شوند که با هدف حفظ و بقای وضع موجود، بر نظم تأکید دارند (نویدنیا، ۱۳۸۹: ۹۱). بنا بر اعتقاد این دیدگاه، فرد، گروه، شهر، کشور و یا هر مرجع امنیتی دیگر وقتی قادر به حراست و نگهداری از حیات خود باشد و بتواند هستی خویش را تضمین نماید؛ به امنیت دست یافته است (نویدنیا، ۱۳۸۹؛ به نقل از نئوکلتوس، ۲۰۰۶). از این رو اثبات‌گراها بر امنیت وجودی تأکید دارند که به عنوان چهره‌ای بارز برای انتظام بخشی و برقراری امنیت شهروندان در دستور کار است. امری که با حراست از زندگی عموم مردم مرتبط است (دوریت، ۲۰۰۴). اثبات‌گرایان معتقدند، هرچه بتوان محیط فرد و افراد جامعه را تحت قاعده و هنجارها به سوی برقراری نظم سوق داد؛ امنیت محقق می‌گردد. اطاعت افراد از قوانین رسمی جامعه و رفتار مبتنی بر عرف و رسوم جاری، نظم زندگی را تضمین می‌کند و امنیت برقرار می‌ماند. در این چشم‌انداز، امنیت با نظم اجتماعی هم‌پوشانی دارد. از منظر اثبات‌گرایی، تحقق نظم و امنیت مستلزم مقابله با خطرات و تهدیدات جان و حیات افراد جامعه است. مهم‌ترین و اساسی‌ترین تهدیدات، جرایمی هستند که نظم هنجاری جامعه را از بین برده و موجب آسیب به شهروندان می‌گردند. ابزارهای اجبار و قدرت کارآمدترین تجهیزات برای مقابله با خطرات در نظر گرفته شده‌اند (نویدنیا، ۱۳۸۴: ۴۱).

امانوئل آدلر^۳ و الکساندر ونت^۱ از جمله نظریه پردازان رویکرد سازه‌گرایانه محسوب می‌شوند که امنیت را وضعیتی می‌دانند که ساکنین یک منطقه قادر به بهره‌گیری از

^۱. Kenneth Waltz

^۲. John Mearsheimer

^۳. Emanuel Adler

قانون در زندگی اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بدون فشار منفی باشند. این رویکرد، امنیت را در برابر آسایش می‌دانند و هر آن چه موجبات دغدغه، تشویش و از بین رفتن آسودگی و آرامش شود؛ ناامنی تلقی می‌کند. این نظریه پردازان برای امنیت حوزه معنایی گسترده و وسیعی قائل هستند؛ به گونه‌ای که تمام شئون و ابعاد زندگی انسان را در بر می‌گیرد. آنان بر امنیت رفاهی تأکید دارند و با ایجاد بسترهای دستیابی به رفاه، امکانات و فرصت‌ها نگرانی‌ها را کنار زده و آرامش ایجاد می‌کنند (سورنسن، ۲۰۰۶: ۳۹۵). سازه گرایان بر خلاف دیدگاه اثبات گرایی، مقابله با جرایم را فقط شرط لازم برای تخفیف امنیت می‌دانند؛ اما بیشتر بر پیشگیری از خطرات، تهدیدات و آسیب‌ها به عنوان شرط کافی تأکید دارند (نویدینیا، ۱۳۸۹: ۹۲). آنان معتقدند در بسیاری از موقعیت‌های اجتماعی اگر مکانیسم‌های پیشگیری صحیح عمل نمایند، جرم و تخلفی رخ نخواهد داد و بر این امر تأکید می‌کنند که پیشگیری زمانی قادر به کاهش جرایم است که امکانات لازم آماده سازی شده باشد و در جهت هدف امنیتی برنامه ریزی و مدیریت شوند (نویدینیا، ۱۳۸۸: ۳۷). در این رویکرد، قدرت و اجبار بهترین ابزارهای امنیت بخشی نیستند؛ ابزارهای ارتباطی و فرهنگی از جمله آموزش، اطلاع رسانی، آگاهی بخشی را می‌توان در کنار توان نظامی استفاده نمود.

استیو اسمیت^۲، کاکس و گیل^۳ مابعد اثبات گرایی هستند که به جنبه‌های ذهنی و فرهنگی، تقابلات نرم افزاری و مناسبت تمدنی پرداخته‌اند و بر معنا بخشی باور دارند. آن چه در این رویکرد مورد توجه قرار می‌گیرد؛ تأثیر فضای اجتماعی بر باور نیازمندی افراد است که تاکنون نادیده گرفته شده است. به اعتقاد این نظریه پردازان، امنیت زمانی روی می‌دهد که هر فرد انسانی به انتخاب راه و روش زندگی خویش پردازد (سیف زاده، ۱۳۸۳: ۳۹). لذا، امنیت مترادف با آزادی است و وقتی انسان آزادانه به دنبال اهداف زندگی خویش است؛ امنیت معنا بخش تحقق گرفته است (نویدینیا، ۱۳۸۳: ۳۷). این عرصه را می‌توان «عرصه تعلقات اجتماعی» نامید. افراد بر حسب خانواده، دین، قومیت،

^۱ . Alexander Wendt

^۲ . Steve Smith

^۳ . Cox & Gill

جنس، علایق هنری و غیره به گروه‌های مختلفی تعلق دارند (رفیع پور، ۱۳۷۷: ۱۱۳)، و نیازهای خویش را مطابق چنین تعلقاتی تعریف و سامان می‌بخشند. عرصه تعلقات اجتماعی که پیامد آن شکل‌گیری هویت اجتماعی است؛ از جمله حوزه‌هایی بود که امنیت آن به فراموشی سپرده شده است. البته این برداشت به معنای غفلت از خطرات و جرایم نیست؛ بلکه توجه بر جنبه‌های انسانی است که دو رویکرد دیگر به فراموشی سپرده‌اند. بی‌عدالتی، فقر، نابرابری، تبعیض، خشونت از جمله مواردی هستند که موجب تهی شدن ارزش‌های انسانی از زندگی شده‌اند. این امور که ناامنی تصور می‌شوند با قدرت نظامی و اعمال زور از بین نمی‌روند؛ بلکه باید با حمایت از نیروهای آسیب دیده، ضمن بازسازی سرمایه‌های انسانی زمینه‌های بهزیستی را فراهم آورد. بنابراین امنیت معنا بخش، بیش از سایر الگوهای امنیت به عوامل پیوند میان اعضای گروه‌ها توجه داشته و محافظت و پاسداری آن‌ها را چون وضعیت اقوام، اقلیت‌های مذهبی، زنان و کودکان، اقشار پایین کارگری و وظیفه خود می‌داند (نویدنیا، ۱۳۸۲: ۳۸).

در برابری مطالب فوق می‌توان اشاره نمود که نیازهای امنیتی وجودی، رفاهی و معنا بخش با مکانیزم‌های مختص به خود تأمین می‌شوند. رویکرد اثبات‌گرایی در سایه مقابله با متخلفان به کمک ابزارهای زور و قدرت امنیت وجودی را محقق می‌سازد. سازه‌گرایان با فراهم نمودن امکانات و تسهیلات زندگی، پیشگیری از آسیب‌ها و امنیت رفاهی را بر ساخته می‌کنند. مابعد اثبات‌گرایان به بازسازی سرمایه‌های انسانی اهتمام دارند. در این راستا نمی‌توان جهت‌دستیابی به هر نوع از الگوهای امنیت سراغ الگویی دیگر رفت؛ لازمه تأمین هر نیاز امنیتی به کارگیری ابزارهای شناخته شده الگوی امنیتی مربوطه است (نویدنیا، ۱۳۸۹: ۹۳). به واقع مباحث نظری جامعه‌شناسی امنیت نیز تحقق منطقه‌ای ایمن را مستلزم تأمین هر سه دسته نیاز امنیتی نمی‌داند؛ و این مسأله را مورد مذاقه قرار می‌دهد که آیا تفاوت‌های منطقه‌ای در اولویت‌های امنیتی اثر دارد؟ آیا بر حسب ویژگی‌های منطقه‌ای اولویت‌های امنیتی متفاوت‌اند؟

۳- روش‌شناسی تحقیق

روش پژوهش حاضر، تلفیقی از دو روش پیمایشی و کتابخانه‌ای است. در بخش کتابخانه‌ای، با مرور منابع و تحقیقات موجود، پیشینه پژوهش و مبانی و چارچوب نظری تحقیق تدوین شده است. در بخش پیمایشی نیز پس از طراحی پرسش‌ها و شاخص‌ها به گردآوری اطلاعات از جامعه آماری پرداخته‌ایم.

جامعه آماری شامل کلیه ساکنین ۳۹-۱۵ سال استان کرمان بوده که بر طبق سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵، ۲۶۵۲۴۱۳ نفر می‌باشند. افراد مورد بررسی باید حداقل به مدت دو سال در منطقه سکونت داشته یا مشغول کار یا تحصیل باشند. حجم نمونه با خطای نمونه گیری ۰/۰۵ و با فاصله اطمینان ۹۵٪ با توجه به جای گذاری اعداد در فرمول کو کران و با روش نمونه گیری چند مرحله‌ای ۴۰۰ نفر انتخاب گردید. این روش غالباً در مطالعات با مقیاس وسیع به کار می‌رود، زیرا هزینه تحقیق را به میزان زیادی کاهش می‌دهد (نجمیاس و فرانکفورت، ۱۳۸۱: ۲۷۱). برای این کار، ابتدا نقشه استان کرمان به چندین سه منطقه مرکز، نیمه پیرامونی و پیرامونی تقسیم شد. در مرحله بعد از میان هر کدام از این مناطق دو ناحیه انتخاب و از درون هر ناحیه دو خیابان به عنوان واحد نمونه گیری مورد بررسی قرار گرفت. درون هر خیابان تعدادی منزل مسکونی به صورت تصادفی سیستماتیک انتخاب و با مراجعه به آن‌ها از هر خانوار یک نفر، در صورت وجود دامنه سنی و شرایط مدنظر، به عنوان پاسخگو برگزیده شد. در صورتی که در آن خانوار فردی واجد شرایط وجود نداشت، واحد همسایه آن‌ها جایگزین خانوار انتخاب شده می‌گشت. شیوه انتخاب واحدهای مسکونی در هر خیابان تصادفی سیستماتیک بوده؛ بدین صورت که تعداد واحدهای مسکونی موجود در هر خیابان بر تعداد پرسش نامه‌هایی که باید در آن خیابان پر شود تقسیم گردید و عدد حاصله (X) به عنوان فاصله بین واحدها در نظر گرفته شد. اولین واحد به صورت تصادفی انتخاب و واحدهای بعدی با رعایت فاصله X انتخاب شد.

جدول شماره ۱. تفکیک مناطق انتخاب شده.

مناطق	جمعیت سال ۱۳۸۵
مرکز	کرمان ۶۷۷۶۵۰
	سیرجان ۲۴۵۸۱۲
	رفسنجان ۲۹۵۱۷۵
نیمه پیرامون	بافت ۱۴۵۰۱۴
	برد سیر ۸۹۲۶۵
	زرند ۱۲۰۸۱۱
پیرامون	جیرفت ۱۸۷۵۹۵
	بم ۲۸۲۳۱۱
	کهنوج ۱۰۵۲۰۷

اعتبار^۱ و پایایی^۲

بررسی برآورد اعتبار سوالات مندرج در پرسشنامه جهت شناسایی اعتبار محتوایی معرف‌های پژوهش از طریق مراجعه به دیدگاه‌ها و کارهای متخصصان بدست آمد. همچنین جهت حصول و اطمینان بیشتر از پایایی ابزار سنجش، گویه‌ها به تعداد ۸۰ پرسشنامه پیش‌آزمون شدند. پس از تکمیل و کدگذاری و وارد نمودن در نرم افزار SPSS پایایی آن‌ها با سنجه آلفای کرونباخ ارزیابی گردید. بر اساس سطح سنجش متغیرها، از روش‌های آماری توصیفی و استنباطی (آزمون F) استفاده شده است.

متغیرهای پژوهش

امنیت وجودی به منظور استفاده از کنترل‌های محسوس و نامحسوس به منظور مقابله با خطرات و جرایم محیطی و تشخیص زود هنگام خطر است. گویه‌های این شاخص با استفاده از طیف لیکرتی و سنجه آلفای ۰/۷۱ در سطوح کم، متوسط و بالا عبارتند از: میزان حضور پلیس در محل زندگی، میزان استفاده از ابزار و وسایل کنترل نامحسوس،

^۱. validity

^۲. reliability

اطمینان از دستگیری و شناسایی به هنگام مجرمان، جلوگیری از خشونت‌ها و نزاع‌های جمعی، اطمینان از بی خطر بودن محل (نویدنی‌ا، ۱۳۸۹).

امنیت رفاهی عبارت است از استفاده از مهارت‌ها، تخصص‌ها و دانش انسانی جهت تأمین شرایط مناسب زندگی که گویه‌هایی با آلفای ۰/۶۹ در سطوح کم، متوسط و بالا در طیف لیکرت را تشکیل می‌دهند. مقوله‌هایی چون مددکاری‌های اجتماعی، خدمات اداری و عملیات‌های بشردوستانه را شامل می‌شوند.

امنیت معنا بخش با تأکید بر هویت‌های گروهی و فردی، ضمن بردباری و اعمال عدالت، با تکیه بر آزادی در چارچوب قانون گروه‌ها و افراد را در انجام اعمال و مناسک یاری می‌رساند. در مجموع متغیری ترتیبی با ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۵ و سه گزینه «کم»، «متوسط» و «زیاد» است. با ترکیبی از شرکت در مناسک و آیین‌های مختلف دینی، اجتماعی - هنری، خویشتن داری اخلاقی در برخورد با متخلفین جرم‌های سبک، خویشتن داری اخلاقی در برخورد با متخلفین جرم‌های سنگین.

۴- یافته‌های تحقیق

به طور کلی ۵۲ درصد از پاسخگویان را مردان (۲۰۸ نفر) و ۴۸ درصد از آنان را زنان (۱۹۲ نفر) تشکیل می‌دهند. حداکثر سن در میان پاسخگویان ۳۶ سال و حداقل آن ۱۵ سال است. میانگین سنی زنان ۲۱/۲ سال و میانگین سنی مردان ۲۶ سال می‌باشد که به معنای جوان تر بودن پاسخگویان زن است. ۴۶/۵ درصد از جمعیت نمونه را افراد مجرد و ۴۶/۸ درصد از پاسخگویان را افراد متأهل تشکیل می‌دهند. بخش عمده پاسخگویان زن، متأهل (۹۷ نفر) و بخش عمده پاسخگویان مرد (۹۰ نفر) مجرد می‌باشند. بر اساس یافته‌های پژوهش ۲۳/۸ درصد از پاسخگویان دیپلم و زیر دیپلم، ۵۹ درصد لیسانس و دانشجوی و تنها ۱۷/۲ درصد بالاتر از لیسانس هستند.

جدول شماره ۲. ویژگی‌های عمومی حجم نمونه به تفکیک دو جنس

ویژگی	زن	مرد	کل	درصد
-------	----	-----	----	------

جنس					
۶/۴	۲۷	۱۱	۱۶	۱۵-۱۹	سن
۳۷/۴	۱۴۸	۷۲	۷۶	۲۰-۲۴	
۳۷/۷	۱۴۹	۹۲	۵۷	۲۵-۲۹	
۱۲/۶	۵۱	۲۲	۲۹	۳۰-۳۴	
۵/۹	۲۵	۱۱	۱۴	۳۵-۳۹	
	۲۳/۵	۲۶	۲۱/۲	میانگین سنی	
۴۶/۵	۱۸۶	۱۱۲	۷۴	مجرد	وضعیت تأهل
۴۶/۸	۱۸۷	۹۰	۹۷	متأهل	
۶/۷	۲۷	۶	۲۱	بدون همسر در اثر فوت یا طلاق	
۲۳/۸	۹۵	۶۲	۳۳	دیپلم و زیر دیپلم	تحصیلات
۵۹/۰	۲۳۶	۱۱۲	۱۲۴	دانشجو و لیسانس	
۱۷/۲	۶۹	۳۴	۳۵	بالتر از لیسانس	

همان گونه که در جدول شماره ۳ نشان داده شده است؛ امنیت وجودی درصد بالایی از اولویت‌های پرسش شوندگان را به خود اختصاص داده است. ساکنین منطقه بم با ۸۳ درصد، بالاترین، جیرفت ۶۹ درصد، کهنوج ۶۵ درصد و کرمان با ۴۴ درصد به ترتیب بالاترین درخواست کنندگان امنیت وجودی هستند. بالا بودن اولویت امنیت وجودی در مناطق پیرامونی دلایل بسیاری دارد که از آن جمله

جدول شماره ۳. اولویت امنیت وجودی ساکنان مناطق مختلف استان کرمان

پیرامون			نیمه پیرامون			مرکز			مناطق		
کهنوج	بم	جیرفت	زرنند	بردسیر	بافت	رفسنجان	سیرجان	کرمان	مقوله‌ها		
۰	٪۲	٪۱۱	٪۹	٪۶	٪۱۱	٪۳۱	٪۳۰	٪۲۴	کم		میزان حضور پلیس در محل زندگی

۰	۱	۴	۲	۱	۳	۱۷	۱۴	۳۱		امنیت وجود	میزان استفاده از ابزار و وسایل کنترل نامحسوس
%۳۵	%۱۵	%۲۰	%۵۹	%۵۹	%۵۲	%۲۷	%۲۷	%۳۲	متوسط	ی	اطمینان از دستگیری و شناسایی به هنگام مجرمان
۷	۸	۷	۱۳	۱۰	۱۴	۱۵	۱۲	۴۰			جلوگیری از خشونت‌ها و نزاع‌های جمعی
%۶۵	%۸۳	%۶۹	%۳۱	%۳۵	%۳۷	%۴۲	۴۳%	%۴۴	بالا		اطمینان از بی خطر بودن محل
۱۳	۴۳	۲۴	۷	۶	۱۰	۲۳	۲۰	۵۵			

می‌توان به تجربه ذهنی ساکنان از بلایای جمعی و پی آمده‌ای آن اشاره کرد. در اکثر موارد، بلایای جمعی اضمحلال ساختارهای اجتماعی در تمام ابعاد را در پی دارد. در این شرایط به دلیل نبود کنترل اجتماعی و ایجاد حالت بی‌هنجاری، جرایم و انحرافات رو به فزونی خواهد گذارد. بالا بودن اولویت امنیت وجودی در این مناطق را می‌توان در تجربه زلزله بم جستجو کرد. ساکنین شهر پر جمعیت کرمان به مانند دیگر کلان شهرهای ایران، با خصوصیت مهاجر پذیری، خواه نا خواه تجربه ذهنی نا امنی را دارا هستند. اما هر چه به سمت شهرهای کم جمعیت نیمه پیرامونی می‌آییم؛ اولویت امنیت وجودی به میزان نامحسوسی کاهش می‌یابد. این شرایط حکایت از حجم جمعیتی و تراکم مادی و اخلاقی کمتر است. وضعیتی که منجر به برجسته شدن وجدان جمعی و در نتیجه وقوع جرم کمتر گردد.

بر اساس اطلاعات جدول شماره ۴، امنیت رفتاری درصد کمتری را نسبت به امنیت وجودی در اولویت نیازهای امنیتی ساکنین استان به خود اختصاص داده. باز هم نکته قابل تأمل، باز هم شهر بم است که اولویت فعالیت‌های بشر دوستانه و مددکاری‌های اجتماعی بیشتری، در مقایسه با دیگر مناطق، از نیروهای انتظامی درخواست کرده‌اند. این نوع نیازمندی‌ها بیشتر مورد درخواست مناطق مرکز است؛ به گونه‌ای که رفسنجان، کرمان و سیرجان به ترتیب با ۵۵، ۴۴ و ۳۷ درصد بالاترین اولویت امنیتی‌شان است.

جدول شماره ۴. اولویت امنیت رفاهی ساکنان مناطق مختلف استان کرمان

پیرامون			نیمه پیرامون			مرکز			مناطق		
کهنوج	بم	جیرفت	زرنند	بردسیر	بافت	رفسنجان	سیرجان	کرمان	کم	امنیت رفاهی	مددکاری های اجتماعی
%۱۵	%۱۴	%۲۰	%۵۵	%۲۹	%۳۳	%۲۵	%۳۳	%۲۶			متوسط
۳	۷	۷	۱۲	۵	۱۵	۱۴	۱۵	۳۳	بالا		
%۵۵	%۲۶	%۶۰	%۱۴	%۵۳	%۳۷	%۲۵	%۳۰	%۳۰			کم
۱۱	۱۳	۲۱	۳	۹	۱۷	۱۴	۱۴	۳۸	متوسط		
%۳۰	%۶۰	%۲۰	%۳۱	%۱۸	%۳۰	%۵۰	%۳۷	%۴۴			بالا
۶	۳۱	۷	۷	۳	۱۴	۲۷	۱۷	۵۵	کم	امنیت رفاهی	

جدول شماره ۵، اولویت معنا بخش نسبت به دو اولویت امنیتی دیگر، به میزان کمی مورد درخواست مردم استان کرمان است. با لاترین درصد متعلق به شهر کرمان با ۲۷ درصد، رفسنجان ۱۸ درصد و سیرجان ۱۷ درصد است.

جدول شماره ۵. اولویت امنیت معنا بخش ساکنان مناطق مختلف استان کرمان

پیرامون			نیمه پیرامون			مرکز			مناطق		
کهنوج	بم	جیرفت	زرنند	بردسیر	بافت	رفسنجان	سیرجان	کرمان	کم	امنیت معنا	شرکت در مناسک و آیین های مختلف دینی
%۵۵	%۵۸	%۷۱	%۵۵	%۵۹	%۴۸	%۴۹	%۶۳	%۴۰			متوسط
۱۱	۳۰	۲۵	۱۲	۱۰	۱۳	۲۷	۲۹	۵۰	بالا		
%۳۵	%۳۱	%۲۰	%۳۶	%۲۹	%۳۷	%۳۳	%۲۰	%۳۳			متوسط

										بخش	متخلفین جرم‌های سبک
۷	۱۶	۷	۸	۵	۱۰	۱۸	۹	۴۱			خویشتن داری اخلاقی در برخورد با متخلفین جرم‌های سنگین
%۱۰	%۱۱	%۹	%۹	%۱۲	%۱۵	%۱۸	%۱۷	%۲۷	بالا		
۲	۶	۳	۲	۲	۴	۱۰	۸	۳۵			

برای کنترل آماری رابطه که در سطح تحلیل‌های دو متغیری بین متغیر وابسته (مناطق استان) و متغیر اولویت‌های امنیتی از آزمون F استفاده شده است. با انجام این تحلیل در بین متغیرهای مورد نظر، می‌توان گفت مناطق مختلف استان به لحاظ شرایط خاص محیطی که دارا هستند؛ در اولویت‌های امنیت وجودی، رفاهی و معنا بخش با یکدیگر متفاوتند.

درک این مسأله با رجوع به علم جامعه‌شناسی امنیت امکان پذیر خواهد بود، تا بر بنیاد آن بتوان به تحلیلی در این باب دست یافت. جامعه‌شناسی با طرح مفهوم «سلطه نیازمندی» به میزان زیادی تحلیل و واکاوی امر واقع شده را ترسیم می‌کند. بر این اساس، طرح هر نیاز امنیتی و پذیرش آن

جدول شماره ۶. تحلیل واریانس اولویت امنیتی ساکنین استان کرمان

سطح معناداری	F	درجه آزادی		
۰/۰۰۰	۱۶/۷۰	۳	بین گروهی	امنیت
		۴۰۰	درون گروهی	وجودی
۰/۰۰۱	۸/۶۳	۳	بین گروهی	امنیت
		۴۰۰	درون گروهی	رفاهی

			گروهی	
۰/۰۰۲	۵/۴۴	۳	بین گروهی	امنیت
		۴۰۰	درون گروهی	معنا بخش

متأثر از مسلط بودن یک الگوی امنیتی است. توجه به این که امنیت وجودی به لحاظ ما هوی مراقبت از حیات مادی و فیزیکی انسان را بر عهده دارد؛ می‌توان این گونه تصور داشت که با توجه به مسلط بودن این نیاز، اولویت‌های ساکنین مناطق مختلف کرمان نیز به سمت این الگو سوق یافته است. در حقیقت بدون امنیت وجودی درک حیات ناممکن است. زندگی بدون دیگر امنیت‌ها، حداقل در سختی و مشکلات، جریان دارد. بنابراین به لحاظ ضرورت، امنیت وجودی در مرتبه اول قرار دارد و امنیت رفاهی و معنا بخش در مقام دیگر اهمیت قرار می‌گیرند (نویدنیا، ۱۳۸۹).

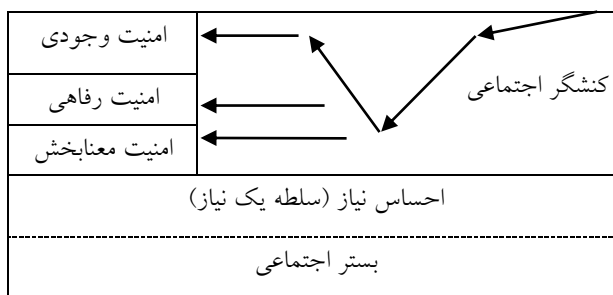
گرچه این قرائت، قانع کننده می‌نمایاند؛ اما به قضاوت صحیح و دقیق منتهی نخواهد شد. انسان امروز در نظام عقلانیت، حساسگری، فایده نگری و سود انگاری پرورش یافته و توجه او به امنیت نمی‌تواند خالی از چشم انداز باشد. بدین معنا که با بالا رفتن امنیت مکان زندگی و تضمین زندگی رضایت بخش و تأمین امنیت وجودی، نیازهای دیگر هم مطرح می‌شوند. بنابراین باید به کلیه درخواست‌ها توجه داشت و هر کدام را به حساب نیاز و اولویت منطقه بر اساس الگوها و رویه‌های امنیتی مربوط به خود فراهم نمود.

۵- بحث و نتیجه گیری

در این نوشتار تلاش نمودیم تا با بررسی داده‌های تجربی جمع آوری شده، خوانشی از اولویت امنیتی را مورد آزمون قرار دهیم که بر اساس وضعیت استان کرمان ارائه شده است. در واقع عدم تحدید و کرانمندی مفهوم امنیت، زمینه‌ای فراهم آورد تا در ابتدا بر ساختن سوالاتی را مدنظر قرار دهیم که امنیت تابع چه الگویی است؟ آیا اولویت‌های امنیتی در مناطق مختلف متفاوتند یا یکسان؟ و در صورت تفاوت، در انتخاب الگوی امنیتی برنامه ریزان چه تأثیری خواهند گذارد؟ بر اساس تئوری‌های جامعه‌شناسانه،

امنیت ساختی اجتماعی دارد. بدین معنا که انسان‌ها بر اساس بستری اجتماعی تحت عنوان سلطه نیازمندی‌های اجتماعی، اولویت‌های امنیتی خود را مشخص می‌سازند. این مطلب نشان دهنده وجود الگوها و مدل‌های امنیتی متنوعی است (شکل شماره ۱) که بررسی و تحقیقات جامعه‌شناختی را جهت شناخت آن اجتناب ناپذیر می‌کند.

شکل شماره ۱. ساخت اجتماعی اولویت‌های امنیتی



از سوی دیگر، نتایج حاصل از داده‌ها نشان داد که اگرچه نیازهای امنیتی به طور یکسان در تمامی مناطق مشترک نیستند و هر منطقه به ماهیت احساس نیاز از اولویت امنیتی خاصی برخوردار است. اما در نمونه منحصر به فرد ما، یعنی استان کرمان، موضوع به گونه‌ای دیگر رقم خورده است. در هر سه منطقه مرکز، نیمه پیرامون و پیرامون امنیت وجودی اولویت نخست را دارد. بدین جهت آگاهی از این موضوع می‌تواند در مدیریت‌های اجتماعی موثر افتد. البته نمی‌توان با دیدی یک سویه به امنیت توجه داشت و فقط به یکی از الگوها به طور مثال، امنیت وجودی تأکید کرد. ابعاد مختلف امنیت، مکانیزم‌های مختص به خود دارند و به شیوه‌های اجرایی گوناگون قابل حصول خواهند بود.

به عنوان یک جمع بندی نهایی در پایان می‌توان گفت که افراد، قشرها و حتی مدیران اجتماعی انتظارات متفاوتی در خصوص نقش نیروهای انتظامی در جامعه دارند. اگر این انتظارات شکاف بسیار وسیعی را نشان دهند؛ می‌توان از «کشمکش نقشی» در مورد جایگاه نیروی انتظامی یاد کرد. پی آمد این وضعیت، کاهش توان این نیرو در مواقع

ضروری است. نیروی انتظامی برای ایفای بهتر کارکردها، توجیه فعالیت‌هایش و دریافت انتظارات جامعه، نیازمند حیطه انتظاراتی و وظایفی مشخص و منسجمی است. چرا که یکی از مسائل عمده امنیت رسیدن به اجماع نظری و عملی در این زمینه است. تردیدی نیست در بحث نظم و امنیت، نیروی انتظامی عمدتاً با مردم مواجه است. از این رو، اگر نهادها مبنای مشترک را درک آگاهی‌ها و نیازهای امنیتی مردم بدانند؛ وحدت و در نهایت امنیت پایدار حاصل خواهد شد.

فهرست منابع

- اچ، چاوا فرانکفورد و دیوید نجمیاس (۱۳۸۱)، «روش‌های پژوهش در علوم اجتماعی» ترجمه: فاضل لاریجانی و رضا فاضلی، تهران، انتشارات سروش.
- امانت، حمید (۱۳۹۰)، «امنیت اجتماعی و ارائه الگوی سنجش آن»، تهران، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، صص ۱۷۵-۱۴۵.
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۰)، «اقتدار ملی: جامعه‌شناسی سیاسی قدرت از دیدگاه امام خمینی»، تهران، ناجا.
- تائب، سعید و خلیلی حسین (۱۳۸۶)، «اولویت‌های امنیت سازی در خلیج فارس»، تهران، فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک، شماره ۳۰، صص ۱۸۶-۱۳۱.
- سیف زاده، حسین (۱۳۸۳)، «معمای امنیت و چالش‌های جدید غرب»، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه دفتر مطالعات سیاسی و بین‌الملل.
- رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۷)، «آنا تومی جامعه»، تهران، نشر انتشار.
- عبدالله خانی، علی (۱۳۸۳)، «نظریه‌های امنیت»، تهران، موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات ابرار معاصر.
- مختاری، اصغر (۱۳۸۰)، «ساخت اجتماعی امنیت»، دانش انتظامی، ش ۱۱.
- نویدنیا، منیژه (۱۳۸۲)، «درآمدی بر امنیت اجتماعی»، تهران، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ششم، شماره اول.

- نویدنیا، منیژه (۱۳۸۴)، «چندگانگی امنیت: امنیت ملی، امنیت عمومی و امنیت اجتماعی»، تهران، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، شماره ۲ و ۳.
- نویدنیا، منیژه (۱۳۸۸)، «امنیت اجتماعی»، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- نویدنیا، منیژه (۱۳۸۹)، «اولویت امنیتی شهروندان و مناطق مختلف شهر تهران»، تهران، فصلنامه جغرافیای انسانی، شماره دوم.

- Dorit, d(۲۰۰۴) , The Roles of Public Police and Private Agencies. www. Lcc.gc.ca.

- Sorensen, Georg(۲۰۰۶) , What kind of World Order: Journal of the Nordie International Studies Association:۳۹۳-۴۰۲.